

تقابل سیاست خارجی ایران - آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تأکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده صادق)

علیرضا گنجیان مقدم^۱، علی‌اکبر جعفری^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

چکیده

از زمان شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در می ۱۹۴۸م. در منطقه استراتژیک غرب آسیا، روندها و تحولات عظیم منطقه‌ای رشد صعودی داشته است. ایالات متحده به‌عنوان متحد استراتژیک و حامی منحصربه‌فرد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید و این عامل، روابط آمریکا با کشورهای منطقه را تحت‌الشعاع قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین قدرت منطقه‌ای با توجه به جهان‌بینی سیاسی و ایدئولوژی ساختاری آن به‌طور مستقیم نسبت به مسئله فلسطین-اسرائیل، در حلقه محوری مبارزه قرار گرفته است. با توجه به این واقعیت، در پژوهش حاضر، در پی پاسخ به این سؤال اساسی هستیم: «نمود اصلی تقابل سیاست خارجی ایران-آمریکا در مسئله رژیم صهیونیستی در غرب آسیا با تمرکز بر عملیات طوفان الاقصی و وعده صادق در عرصه‌های نظامی-امنیتی و سیاسی-اقتصادی چیست؟» یافته‌ها نشان می‌دهند ج.ا.ایران با اتخاذ صبر راهبردی، داغ نمودن فضای منافع منطقه‌ای توسط متحدان استراتژیک منطقه‌ای خود (محور مقاومت) به «قورباغه آب‌پز» و «تهاجم و ترور سمی بیولوژیک‌گونه» علیه رژیم؛ به محدودسازی منافع و سیاست خارجی پانزی آمریکا پرداخت. تلاش بر این است با کاربست نظریه‌های نواقع‌گرایی و سازه‌انگاری، با شیوه تبیینی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای-اینترنتی موضوع پژوهش مورد تبیین قرار گیرد. در نهایت، راهکارها و پیشنهادها راهبردی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: ج.ا.ایران، آمریکا، عملیات ۷ اکتبر، وعده صادق، محور مقاومت، رژیم صهیونیستی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

رایانامه: alirezaganjianmoghadam@gmail.com

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: A.jafari@umz.ac.ir



۱. مقدمه

در سال ۱۹۴۸م. با شکل‌گیری رژیم صهیونیستی تحت حمایت و برنامه‌های آمریکا و انگلیس در منطقه استراتژیک غرب آسیا - که همانند حوضچه‌ای ارزشمند، منافع فرمانطقه‌ای و هژمونیک آمریکا را در خود جای داده است - و شناسایی رژیم صهیونیستی به‌عنوان متحد ممتاز از سوی ایالات متحده صلح، امنیت و نظام‌های منطقه‌ای دچار چالش جدی گردید. پس از آن، آرامش و امنیت از فضای منطقه برچیده گردید و به دلیل انفکاک میان واحدهای غرب آسیایی، رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان متحد ممتاز منطقه‌ای آمریکا با جلب حمایت‌های بی‌قید و شرط و پانزی در موضوعات حقوق بشری، سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و غیره؛ جهت تضعیف و تقابل دولت‌های منطقه‌ای برآمد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران در نزدیک‌ترین کشور به محور عبری-غربی و متحد راهبردی آمریکا در منطقه، سیاست‌های ایالات متحده را با توجه به تعارض ساختاری-گفتمانی برآمده از نظام‌های سیاسی، در منطقه و جهان دچار چالش نمود. در همین راستا، تعریف فلسطین به‌عنوان مسئله اول جهان اسلام، موجودیت رژیم صهیونیستی را مورد تهدید قرار داد.

رویکرد ساختاری و تمدنی-اعتقادی ج.ا.ایران به مسئله فلسطین-اسرائیل، سیاست خارجی ایران-آمریکا را تحت الشعاع قرار داد. لذا شاهد تقابل‌هایی میان طرفین به دلیل نوع رویکرد ایران- رژیم صهیونیستی به یکدیگر هستیم که در قالب «بازی با حاصل جمع صفر»^۱ به‌طور آشکارتر بعد از حمله صورت گرفته علیه کنسولگری ج.ا.ایران در دمشق و پس‌از آن، حمله ترکیبی ایران به عمق راهبردی رژیم صهیونیستی نیز در «جهان‌بینی ساختاری» طرفین قابل تبیین است.

آمریکا با فشار «پانزی» طی سالیان اخیر جهت حفاظت از شریک ممتاز خویش، کشورهای جهان را در دو سطح زیر با ارائه وعده‌های سراب‌گونه، تهدید و ارعاب در دام پانزی گرفتار نمود:

(۱) منطقه‌ای:

- فشار و تطمیع جهت عادی‌سازی و شناسایی،
- معامله قرن،
- صلح ابراهیم،
- ناتوی عربی،
- خاورمیانه بزرگ و غیره.

(۲) بین‌المللی:

- گزینش مجموعه‌ای از حمایت‌های متنوع.

آمریکا طی سالیان اخیر از پروژه برسازی ج.ا.ایران به‌عنوان تهدیدانگاری ساختاری-هویت‌ی در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی بهره گرفته است. به‌عبارتی، از «امنیتی‌سازی» در کنار ایران‌هراسی جهت جامعیت بخشیدن به این سیاست بهره گرفت. در نقطه مقابل، ج.ا.ایران جهت فائق‌آمدن بر «پروژه مهار»، «انزوا کشاندن» و «امنیتی‌سازی»؛ حمایت از فلسطین و جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه را متأثر از بافتار عقیدتی، سیاسی و ایدئولوژیک «ام‌القرایی» در عرصه سیاست خارجی و اقدامات منطقه‌ای را مدنظر داشته است. ازاین‌رو، با پیشینه نمودن صبر راهبردی و مظلوف‌سازی منافع منطقه‌ای رژیم صهیونیستی-آمریکا در دیگ آب سرد و افروختن شعله جهت داغ نمودن زیست منافعشان مبتنی بر «راهبرد قورباغه آب‌پز» و «تهاجم و ترور سمی بیولوژیک» علیه رژیم اسرائیل، با توسعه متحدان استراتژیک (محور مقاومت) و توانایی‌های داخلی و منطقه‌ای پیگیری کرده است.

با توجه به ضرورت‌های یاد شده، در پی پاسخ به این سؤال هستیم؛ نمود اصلی تقابل سیاست خارجی ایران-آمریکا در مسئله رژیم صهیونیستی در غرب آسیا با تمرکز بر عملیات «طوفان الاقصی» و «وعده صادق» در عرصه‌های نظامی-امنیتی و سیاسی-اقتصادی چیست؟

هدف از نگارش مقاله، شرح راهبردهای ج.ا.ایران در تقابل با آمریکا جهت حذف و مهار شریک ممتاز آن و چگونگی محدودسازی و استهلاک منافع و سیاست خارجی پانزی

آمریکا می‌باشد. بنابراین، با کاربست نظریه‌های نواقع‌گرایی^۱ و سازه‌انگاری^۲، به شیوه تبیینی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای-اینترنتی در پی پاسخ به سؤال و ارائه پیشنهادات راهبردی هستیم.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

«موسوی‌فر» در مقاله «روابط ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل» (۱۳۹۵) که در فصلنامه سیاست به چاپ رسید، با استفاده از رویکرد تبارشناسانه نیز روابط ایران-آمریکا را مهم و یکی از دغدغه‌های اندیشمندان روابط بین‌الملل دانسته است. بر اساس یافته‌های این مقاله، علت‌های فراز و فرود و تیرگی روابط ایران-آمریکا دو متغیر زیر است؛

(۱) رژیم اسرائیل به‌عنوان شریک راهبردی آمریکا،

(۲) مخالفت ایران با سیاست شناسایی رژیم صهیونیستی در منطقه.

«زبردست» مقاله «سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در قبال محور مقاومت» (۱۳۹۷) را در مجله بین‌المللی پژوهش ملل به چاپ رسانید. نویسنده با استفاده از رویکرد مکتب امنیتی کپنهاگ^۳ بیان می‌دارد؛ از زمان شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، به‌صورت پیوسته احساس عدم امنیت و تهدیدات منطقه‌ای از سوی همسایگان عرب را متوجه امنیت و بقای خویش می‌دانست. این مسئله، الگوی خاصی به سیاست خارجی این رژیم بخشید و عامل پیوند ناگسستنی با آمریکا شد. با کم‌تر شدن منازعات اعراب و اسرائیل، نظام برآمده از انقلاب اسلامی در ایران و متعاقب آن ظهور «گفتمان مقاومت»؛ امنیت و موجودیت رژیم اسرائیل بیش‌ازپیش در مخاطره قرار گرفت. این مسئله منجر به اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی از سوی محور عبری- غربی و افزایش توان غیرمتعارف نظامی گردید.

«خدایی و میرفخرایی» در مقاله مشترک تحت عنوان «رویکرد ناتو در قبال افزایش نقش

و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه» (۱۳۹۷) که در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی

1. Neorealism

2. Constructivism

3. Copenhagen Security School

سیاست منشر گردید، با روش تحلیلی-توصیفی بیان می‌دارند به دلیل نوع نگرش ج.ا.ایران به غرب و آمریکا، ایران به‌عنوان بازیگری تهدیدساز شناسایی شده و در دکنترین ناتو، بر گسترش حضور و تأکید بر تحقق هدف مهار گسترش نفوذ ایران در منطقه به‌خصوص شامات تأکید شده است. به‌عبارتی، ج.ا.ایران یک عامل مهم تهدید در قبال متحدان و به‌ویژه موجودیت رژیم صهیونیستی مورد شناسایی قرار گرفته است. از این منظر، رشد تحریکات ج.ا.ایران بایستی با استفاده از افزایش فشارهای اقتصادی، نظامی-امنیتی و اعمال محدودیت‌های جغرافیایی با عمل به کارویژه ابعاد گوناگون زور و قدرت، در حمایت از متحدان به‌ویژه اسرائیل مهار گردد.

«بنی‌هاشمی» و همکارانش در پژوهش مشترکی تحت عنوان «مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکرد تقابلی‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا» (۱۴۰۱) که در فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل به چاپ رساندند با استفاده از رویکرد نئورئالیسم، به دسته‌بندی عوامل مؤثر در تقابل در دو بعد پرداختند:

(۱) داخلی:

- استکبارستیزی،
- مبارزه با هژمونی آمریکا،

(۲) خارجی:

- اتهام واهی به ج.ا.ایران جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای، فناوری نظامی و فعالیت‌های منطقه‌ای.

نگارندگان وزن اصلی در رویکرد تعارض‌آمیز میان ایران-آمریکا را به دخالت‌های خارجی از سوی رژیم اسرائیل و لابی‌های مستقر در آمریکا و سطح بین‌المللی نسبت دادند. با توجه به رویکرد ج.ا.ایران بر «محو رژیم اسرائیل، لابی و اتاق فکرهای یهودی»، ترمیم روابط ایران-آمریکا را عامل آسیب‌پذیری و کاهش حمایت آمریکا قلمداد نموده و از موانع اصلی به حساب می‌آورند.

«عالیشاهی» در مقاله‌ای تحت عنوان «عملیات طوفان الاقصی و کاربست پارادایم نوین مقاومت در جهان اسلام» (۱۴۰۲) که در فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی

ایران منتشر کرد، عملیات ۷ اکتبر گروه حماس را عملی توصیف کرد که معادلات سیاسی-امنیتی و نظامی منطقه را متحول ساخت. از این رو نویسنده این اقدام را یک الگوی نوین مبارزاتی و مقاومت برای سایر جوامع اسلامی در مبارزه با صهیونیسم جهانی معرفی نمود. نگارنده اذعان داشته است که این عملیات منجر به مسائل زیر شده است:

(۱) افزایش عمق بحران‌های رژیم صهیونیستی،

(۲) شکنندگی ژئوپلیتیک،

(۳) تشدید بحران‌های داخلی،

(۴) مهاجرت معکوس،

(۵) نشان دادن ضعف عمق استراتژیک به جامعه جهانی.

«محمدی منفرد» در مقاله «بررسی نتایج عملیات طوفان الاقصی بر اساس دکترین نظامی رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۲) که در فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد توصیفی-تحلیلی به چاپ رسید، عملیات طوفان الاقصی را به زمین‌لرزه راهبردی برای دکترین‌های نظامی رژیم به‌خصوص بازدارندگی دفاعی و بنیان‌های ارتش آن رژیم تشبیه کرده است. از این رو پیامد این اقدام نظامی را شکست در ۴ حوزه‌ی نظامی معرفی کرد. این شکست‌ها پیامی مبنی بر روبرو شدن با چالش‌های جدی ارکان نظامی رژیم صهیونیستی در آینده هستند و ظرفیت بازدارندگی در برابر گروه‌های مقاومت را ندارد. این چالش‌ها در حوزه‌های زیر هستند:

(۱) بازدارندگی،

(۲) اقدام سریع،

(۳) تصمیم‌گیری نظامی،

(۴) دفاع مدنی.

«خالدی»^۱ در کتاب «جنگ ۱۰۰ ساله علیه فلسطین» (۲۰۲۱) که توسط انتشارات

«متروپولیتین»^۲ به چاپ رسید، بیان می‌دارد با توجه به روابط تنگاتنگ جبهه عبری-غربی،

1. Rashid khlidi

2. Metropolitan

خطری که کاملاً برای رهبران دو جبهه به‌خصوص رژیم اشغالگر قدس مشهود است، توسعه فعالیت دامنه جنگ در محیط پیرامونی است که هویت و بقای آنان را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها بیش از این‌که نگران جنبش‌های فلسطینی چون حماس باشند؛ در کنش و سیاست خارجی خویش بر این مسئله اتفاق نظر دارند که باید ایران را مهار کرد.^۱

«بردبار و عالیشاهی» در مقاله مشترکشان تحت عنوان «تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس و عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی و آفندی)» (۱۴۰۲) که در فصلنامه بحران‌پژوهی جهان اسلام به چاپ رساندند با بهره‌گیری از مطالعات اکتشافی و دسته‌بندی آن با مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، به سطح‌بندی عوامل مؤثر در جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد وابستگی سه سطح اصلی زیر، شکل عملیات ۷ اکتبر محور مقاومت و حماس علیه سیاست آمریکا-رژیم صهیونیستی به پشتوانه معنوی مجموعه قدرت منطقه‌ای مقاومت (ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و تا بخشی عراق) را رقم زد:

(۱) گذار از اقدامات پدافندی به آفندی،

(۲) واکنش به صلح ابراهیم محور عبری-عربی-غربی،

(۳) تغییر الگوی جبهه مقاومت در کنار دیگر سطوح فرعی.

در انتها باید اشاره داشت آثاری در خصوص تقابل و تعارض سیاست‌های ایران-آمریکا بر سر مسئله رژیم صهیونیستی وجود دارد. وجه تمایز این پژوهش با سایر آثار منتشر شده (با توجه به عنوان اثر و تأکید بر عملیات کلیدی ۷ اکتبر و وعده صادق به‌عنوان اولین رویارویی جدی طرفین از خاک ایران که معادلات جدیدی را در منطقه حاکم کرد) این است که نگارندگان مقاله حاضر به تعارض سیاست خارجی ج.ا.ایران با قید مشابه‌سازی آن به الگوی راهبردی داغ نمودن فضای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی توسط محور مقاومت به پیشوایی ایران می‌پردازند.

1. See: khliidi, Rashid (2021). "The hundred years war on Palestine", hundred years war on Palestine 'A History of Settler Colonialism and Resistance, 1917-2017, Metropolitan Books.

۲-۲. مبانی نظری؛ نواقح گرایي و سازه‌انگاری

سازه‌انگاران جهت حصول بر اینکه چرا واحدها به تقابل و منازعه یا همکاری می‌پردازند، به اموری چون نگرش دولت‌ها از منافع و برداشت‌های محیط وجودی جهت اتخاذ نوع سیاست خارجی اشاره نمودند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۳). سازه‌انگاری با تعریف رهیافت «سیاست هویت» تلاش دارد طریقه اثر نقش و اجتماعات بین‌الذهانی در سیاست بین‌الملل و خارجی را تشریح نماید و نحوه شکل‌یابی هنجارها، نوع کنش‌ها و تأثیر هویت بر ادراکات کنشی در داخل و خارج را توضیح دهد. با این توصیف، آن‌ها ساختارهای هنجاری-هویتی را عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی به میزان واقعیت و منابع مادی دانسته و در یک رابطه قوام‌بخش، شکل‌دهنده کنش کشورها معرفی نمودند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۴).

ایدئولوژی و جهان‌بینی به معنای عقیده و نظر، با گذر زمان به علت کثرت استفاده به وجه مسلم عقیدتی قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی مبدل می‌گردد و در عرصه سیاست خارجی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش به پیرامون را با معیارهایی در اختیار تصمیم‌گیرندگان می‌گذارد (قوام، ۱۳۷۲: ۷۵-۷۶). پس ایدئولوژی و هویت با دخالت صریح و بی‌واسطه در جهان‌بینی و ادراک کارگزاران؛ بر اعمال، ترجیحات و ساختارمند شدن اهداف عملیاتی اثر می‌گذارد. با این نگرش می‌توان تعارض سیاست خارجی ایران-آمریکا را با قید نقش رژیم صهیونیستی در نقش متحد ممتاز ایالات متحده، به‌عنوان عامل تشدیدساز در این عرصه با توجه به هویت و جهان‌بینی متعارض و خاص طرفین (ایران-آمریکا) در خصوص رژیم صهیونیستی بعد از برسازی امنیتی از ج.ا.ایران را می‌توان مشاهده نمود. این مسئله، ترجیحات حکومت‌ها در داخل و به‌دنبال آن سیاست خارجی را در الگوهای امنیت ساختاری و دفاع ساختاری تحت تأثیر گذاشته است. به تناسب می‌توان این الگو را براساس دیدگاه نواقح‌گرایي تجزیه و تحلیل نمود.

از آنجایی که واقع‌گرایی^۱ از نظریات جریان اصلی غالب برای تحلیل پدیده‌های گوناگون می‌باشد که ایدئولوژی و جهان‌بینی را به‌عنوان یک پوشش در سیاست دولت‌ها می‌داند؛ اما به علت تباین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی با رویدادهای جاری سنخیت نظری و تحلیلی جامعی را فراهم نموده بود. همین جامعیت و غلبه تحلیلی، زمینه انتقاداتی را وارد ساخت (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۸۳).

نواقح‌گرایی مولود تحولات درون پارادایمی واقع‌گرایی و روزآمدسازی آموزه‌های آن بنابر پاسخگویی به انتقادات وارده ناشی از انقلاب رفتاری و رشد مکتب «وابستگی متقابل»^۲ می‌باشد. از این‌رو، آنان ضمن حفظ چهارچوب‌های اصلی سلف خود، کوشش به تغییر آموزه‌های آن طبق تحولات جاری بین‌المللی نمودند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۴۳). بنابراین الگوهای قالب رئالیستی به‌مرور طی قرن بیستم و پیمودن سیر تکامل خود، واقع‌گرایی ساختاری «استفان والتز»^۳ را جهت تحلیل تحولات گوناگون نظام بین‌الملل حاصل ساخت (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۰). آنان ایدئولوژی و جهان‌بینی را نه به‌عنوان یک پوشش بلکه در غالب ساختارها بررسی کردند. نواقح‌گرایان در کنار نقش دولت‌محوری، برای سایر بازیگران نیز اثرگذاری قائل هستند و بر «نظام خودیار»^۴ با رویکرد امنیت‌جویی ناشی از محکومیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل تأکید دارند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۴۴).

بنابراین نظام بین‌الملل، سطح تحلیل اصلی آن‌ها می‌باشد که به علت ویژگی آنارشیک آن، هر یک از دولت‌ها را مسئول حفظ امنیت و بقای خویش می‌دانند. البته این منطق امنیت‌جویی به علت ناهم‌آوایی اهداف و منافع نیست؛ بلکه تعارض منافی است که تعارض رفتاری را به همراه دارد. به همین خاطر امنیت را به‌عنوان هدف اصلی، قدرت را مهم‌ترین سازوکار، دولت را به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر و جنگ را مهم‌ترین جلوه نامنی می‌دانند. به همین دلیل، هر دولتی را مختار دانسته‌اند تا به هر شکل که مستفاد می‌کند،

-
1. Realism
 2. Interdependence School
 3. Waltz
 4. Welf-help System

اهداف داخلی و خارجی خود را دنبال نماید (یزدانفام، ۱۳۸۶: ۷۳۱-۷۳۰). این منطق، هم‌آوردی همیشگی دولت‌ها را طلب می‌کند تا هم‌سطح با تهدیدات متوجه و متقابل، پاسخ دهند. والتز به‌عنوان سرآمد این جریان با تلفیق و بهره از نظریه سیستم‌ها، روش‌شناسی رفتارگرایان در تحولات روشی-معرفتی نظام بین‌الملل و افت قوت تحلیلی واقع‌گرایی در دوران جنگ سرد با انتشار کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل»^۱ در دهه ۱۹۷۰م. و طرح مسائلی چون: «نظام دوقطبی»، «ظهور رقیبان» و «کاهش قدرت آمریکا»؛ مسائلی را جهت طرح یک نظریه جدید در خصوص جنگ و صلح مطرح کرد که واقعه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف منطق تحلیلی آن بود (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۴۶-۴۵).

والتز ضرورت نظریه‌پردازی و صحت آن را در پیوند مفاهیم و توانایی توضیحی آن از حوادث بین‌المللی در صحنه واقع دانسته است (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۸۵). با توجه به بسامد اثر وقایع جهانی و افت‌وخیزهای تحلیلی، اما همچنان نواقح‌گرایی تأثیر غیرقابل اغماضی در تبیین نحوه سیاست‌گذاری دولت‌ها و تکوین سیاست بین‌الملل دارد؛ تا جایی که استنباط صحیح و جامع از تصمیمات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مستلزم بررسی توانمندی تحلیلی این رویکرد است (اسچورینگ^۲، ۲۰۱۴: ۳۸۰). اما برخلاف تحلیل انسان‌مدارانه سلف خود از جنگ، با پذیرش نحوه تحلیل، قائل بر این هستند که این روش به‌تنهایی قادر به تبیین جنگ و صلح نیست (والتز^۳، ۱۹۵۹: ۲۹)؛ چون وقوع نزاع در بعد نظام جهانی فقط زاییده قدرت و سرشت شرور انسان نیست، بلکه حاصل تحمیل ساختاری نظام بین‌الملل است (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۷۴) که در مناطق استراتژیک همچون غرب آسیا اثر مضاعف دارد.

بنابراین نواقح‌گرایی با تأکید بر نظام بین‌الملل، قائل به تحلیل رفتار دولت‌ها در سایه آن می‌باشد و قدرت به‌عنوان ابزاری کاربردی جهت تأمین امنیت است. از این حیث با توجه به حاکم بودن آنارشی در نظام بین‌الملل و اصل خودیاری و اثر آن بر انگیزه و رفتار

1. Theory of International Politics
2. Schornig, N.
3. Waltz, K.N.

دولت‌ها، از آن به‌عنوان عاملی جهت افزایش قدرت با هدف حفظ امنیت و یا تغییر ساختار به نفع خود دست می‌زنند (والترز، ۲۰۱۴: ۱۲۵-۱۲۷).

نواقعی‌گرایان برخلاف اسلاف خود، آنارشی را فرصتی جهت اصلاح و بازسازی دولت‌ها می‌دانند تا با کوشش جهت تأمین امنیت و تضمین بقای خویش، تهدیدات امنیتی متوجه خود را نیز خنثی کنند. به دیگر سخن، تأمین امنیت یکی باعث رشد ناامنی دیگری می‌شود و با ظاهر شدن یک وضعیت جنگی دائمی، قدرت‌جویی و امنیت‌طلبی، رفتار اصلی دولت‌ها می‌شود (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۵۰). از این جهت، با توجه به مفروضه‌های کلان منطقی نظری نواقعی‌گرایی والترز، تلاش و هدف همه دولت‌ها به شکل خودکار برای تأمین منافع ملی جهت کسب بقای سیاسی با الهام از داروین‌سیسم اجتماعی در اولویت اصلی است. بی‌اعتمادی متقابل با توجه به مفروضه‌های هستی‌شناسی مادی و کلان‌نگر، معرفت‌شناسی عینی و روش‌شناسی اثباتی-رفتاری نواقعی‌گرایی در فضای آنارشیک، باعث می‌شود تهاجم، گسترش‌طلبی و زیاده‌خواهی به‌عنوان تهدیدات هستی‌شناختی در نزد دولت‌ها، «قدرت‌طلبی» و «امنیت‌جویی» را به الگوی غالب رفتاری مبدل سازد. به همین خاطر اصل تمایزبخش توانمندی و میزان قدرت دولت‌ها از تأکیدات والترز است (والترز، ۱۹۸۶: ۳۳۳؛ میرویو، ۲۰۲۰: ۳۹۴-۴۰۳) که جهت تضمین بقا و امنیت به‌عنوان اهتمام اصلی، منجر می‌شود دولت‌ها رفتار مشابهی را از خود بروز دهند.

از این حیث آمریکا با ترکیبی از آموزه‌های سازه‌انگاران و نواقعی‌گرایان با بازیگری فزاینده لابی و آموزه‌های ساختارمند شده یهودی (ایوانجلیکن) در دستور کارهای سیاسی، جهت حمایت پانزی از رژیم صهیونیستی در برابر ج.ا.ایران با استفاده از برسازگی امنیتی از سیاست‌های ج.ا.ایران و مداخله در مباحث و هنجارهای ارزشی، هویتی و شناختی سایر حکومت‌ها و سپس تمرکز بر تأکیدات امنیت‌جویانه نواقعی‌گرایی در افزایش قدرت و امنیت به نفع اسرائیل با محدودسازی و تقابل‌جویی با ایران در سیاست خارجی اقدام نمود. به‌طور مشابه ج.ا.ایران با توجه به همین واقعیت و تأکیدات ساختاری قانون اساسی، عمل مشابه را سرلوحه نمود.

۲-۳. مفاهیم

با توسعه علم سیاست و شکل‌گیری روابط بین‌الملل به‌عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی، این علم برای تبیین و توضیح پدیده‌های گوناگون بین‌المللی؛ تئوری، برداشت‌ها و روش‌های خاص خود را دارد (مالهورتا، ۲۰۰۲: ۹۸-۱۰۹). علاوه بر این، با وقوع انقلاب رفتاری و توسعه روزافزون سایر علوم و موفقیت‌های آن‌ها، از مفاهیم سایر رشته‌ها برای درک و توضیح بهتر بهره گرفت. به نوعی از لحاظ روش‌شناسی یک علم میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای از اقتصاد، تاریخ، حقوق، روانشناسی و غیره محسوب می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۹: ۶۹). در تحقیق حاضر از چند مفهوم که مرتبط با سایر رشته‌ها است، استفاده گردید که توضیح کوتاهی در مورد آن‌ها ارائه می‌شود.

۲-۳-۱. سیاست افروختن شعله جهت داغ نمودن زیست منطقه‌ای

ج.ا.ایران با بهره از این الگو و توسعه فعالیت‌های منطقه‌ای موسوم به «تقویت محور مقاومت»، به فرسایش و تحدید منافع اسرائیل و آمریکا پرداخت. اصطلاحاً ج.ا.ایران با مظلوم‌سازی فضای منطقه‌ای به یک دیگ با محتوای مملو از منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در آب سرد غرب آسیا، با توسعه فعالیت‌های منطقه‌ای آتشی را زیر آن روشن نمود که می‌توان از آن به سیاست «قورباغه آب‌پز» نام برد. «صبر راهبردی» ج.ا.ایران با تکیه بر غرور رقبا جهت داغ نمودن فضای منطقه‌ای (در آغوش فشردن)^۲ بدون اینکه قورباغه از خود واکنش دفع‌انگاری نشان دهد؛ در کنار القای وجود حس امنیت از باب به آرامی مقابله نمودن، نشان از خلع سلاح دارد که بدان «سرو نمودن انتقام به شکل سرد» می‌گویند. این رویکرد از روانشناسی و فرهنگ غذایی برخی جوامع اقتباس شده است.

۲-۳-۲. سیاست پانزی

با اقتباس از اقتصاد و کلاهبرداری‌های اقتصادی وارد سیاست گردید. بدین شکل که با وعده‌دادن سودهای نجومی، وجوه و دارایی را گرفته و در هنگام سررسید پرداخت، با

1. Malhorta, V.K.

2. Squeeze

استقراض از دیگری، تعهدات قبلی را به‌جا آورده و این چرخه سراب‌گونه پانزی را پیوسته همانند یک تسلسل ادامه می‌دهند. این عمل معمولاً در اقتصادهایی که حالت نرمال ندارد و دارای مشکلات تورمی و رکود هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این الگو نخستین بار در ۱۹۱۹م. توسط «چارلز پانزی»^۱ ایتالیایی با وعده سود دو برابری در مدت سه‌ماهه مورد بهره‌برداری قرار گرفت (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۱۱/۰۸).

از این روش و مشابه‌سازی سیاست‌های آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و رقابت با ج.ا.ایران، به الگوی پانزی استفاده نمودیم. چون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آمریکا در گام نخست به علت از دست دادن یا در خطر افتادن منافع حیاتی فرامنطقه‌ای خود در منطقه «غیر نرمال شده غرب آسیا» و به‌خصوص حمایت از رژیم صهیونیستی در برابر ج.ا.ایران از این الگو بهره گرفت که از مهم‌ترین آن‌ها نیز حمایت از اعراب متحد و برسازی ج.ا.ایران به‌عنوان یک تهدید جهت تعویض تقابل صهیونی-عربی به عربی-ایرانی بود که تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱م. از اولین و مهم‌ترین‌های این الگو می‌باشد (جمالزاده و آقایی، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۰). متعاقب این الگو، آمریکا اقدامات زیر را پیگیری کرد:

(۱) سطح منطقه‌ای:

- فشار بر عادی‌سازی روابط اعراب-اسرائیل در طول سیاست‌های ماورای حصار عرب «بن‌گورین»^۲،
- شناسایی رژیم صهیونیستی،
- معامله قرن،
- صلح ابراهیم،
- طرح خاورمیانه بزرگ (گنجیان مقدم و جعفری، ۱۴۰۲: ۸۶-۸۸) و غیره با وعده ارائه کمک و حمایت در برابر خطر ج.ا.ایران

(۲) سطح بین‌المللی:

1. Charles Ponzi
2. Ben Gurin

- مظلوم‌نمایی از رژیم صهیونیستی،
- کمک‌های متنوع مالی،
- اقدامات سیاسی و حقوقی،
- فعالیت‌های نظامی در تقابل با ج.ا.ایران.

۳-۲. ترور و تهاجم سمی بیولوژیک

عمل ترور و تهاجم سمی بیولوژیک اقدامی است که به وسیله اعمال آزمایشگاهی، ویروس‌ها و میکروب‌ها جهت کشتن زمان‌بر (ضعیف‌کننده) که به راحتی قابل پیشگیری، تشخیص و در نتیجه اقدام بهنگام درمانی نیست، استفاده می‌شود. از این رو، به علت حالت ژانوسی این عمل، علاوه بر امور زیست‌پزشکی در راهبردهای سیاسی برای تضعیف رقبا (جعفری، ۱۳۹۹: ۴۰-۴۱) و در اموری چون ترور بیولوژیک و حذف اشخاص استفاده می‌شود و از علم زیست‌شناسی و پزشکی وارد عرصه سیاست شده است.

ترور بیولوژیک را می‌توان به قاتل خاموش (نرم یا مخفی) یاد نمود. با این توصیف جهت مشابهت‌سازی عمل سیاسی ج.ا.ایران در منطقه علیه منافع و سیاست‌های اسرائیل-آمریکا با اهداف راهبردی محدودسازی و وجه نرم تقابل بدون اینکه مستقیماً واکنش‌ساز باشد به صورت «فرسایشی و خزنده» علیه دو متحد ممتاز با قید تشبیه به «ترور و تهاجم سمی بیولوژیک» به تناسب اتخاذ دکترین محور مقاومت در غرب آسیا استفاده شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و قابلیت بهره‌برداری برای ارگان‌های امنیتی، نظامی، پدافندی و به خصوص دستگاه دیپلماسی را دارد. از لحاظ رویکردی، کیفی و روش پژوهش آن تبیینی-تحلیلی می‌باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات، جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد که بعد از پالایش و گردآوری اطلاعات و متناسب‌سازی بر اساس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نظریه نواقع‌گرایی و سازه‌نگاری مورد بهره‌برداری قرار گرفتند.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. جهان‌بینی ایران-آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس‌از آن کلان حادثه ۱۱ سپتامبر، شوک سهمگینی بر مناسبات بین‌المللی و نظام‌های منطقه‌ای به‌خصوص در منطقه استراتژیک غرب آسیا به‌عنوان حوضچه منافع جهانی آمریکا و حضور شریک ممتاز آن، از ۱۹۴۸م. وارد نمود، این تحولات بر سیالیت قدرت و امنیت‌جویی از منظر تفاوت‌های ادراکی، جغرافیایی و ایدئولوژیکی افزود. این عمل منجر به کنشگری آمریکا به علت وجود تهدیدات امنیتی، مزیت‌های ژئوپلیتیکی، انرژی و موجودیت رژیم صهیونیستی جهت حمایت از آن به‌عنوان هژمون و نماینده خود در منطقه، در راهبرد تمام‌روسی اجرای آمریکا شاهد تأکید بر همکاری ویژه تل‌آویو-واشنگتن باشیم (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۹). همچنین برخی از کشورهای منطقه‌ای برای برسازی از انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان تهدید (حسن‌خانی، ۱۴۰۰: ۲۴) در الگوی پانزی آمریکا، جهت تعمیق حضور ایالات متحده در منطقه که در تعارض با رویکرد امنیت‌افزایی بومی و سیاست‌های قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران می‌باشد، اقدام کردند؛ هرچند سبقه خواهندگی امنیت مستقل منطقه‌ای از سوی رژیم شاه بعد از خروج انگلیس، علی‌رغم پیوند نزدیک وی با غرب طرح شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به علت مقابله با تهدیدات و طرح مسئله فلسطین به‌عنوان سپهر سیاست خارجی در تقابل با صهیونیسم و فائق آمدن بر سیاست منزوی کردن ایران؛ هدفی دفاعی-بازدارندگی پیدا نمود و عاملی جهت سمت‌گیری استقلال‌خواهانه دستگاه خارجی ایران در برابر سیاست‌های آمریکا شد. به‌عبارتی، باورهای اسلامی-شیعی و مختصات ممتاز جغرافیایی ج.ا.ایران بر ساختار، منافع ملی، امنیت ملی و رویکرد سیاست خارجی نظام در کنار تجربه تاریخی نیز اثر گذارد و آن را به الگوی رفتاری استراتژیک اقدامات منطقه‌ای و نحوه کنش برابر آمریکا در خصوص شریک ممتازش نهادینه نمود.

از این رو، مناسبات بین ایران-آمریکا در مارپیچ خصومت، به‌ویژه در خصوص نوع موجودیت و رویکرد به رژیم صهیونیستی در منطقه، به تعارضی ایدئولوژیک ناشی از

تفاوت ساختار گفتمان هویتی برآمده رساند و تقابل، تنازع و اصطکاک عمیقی را حاصل ساخت (الماسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۳).

از آنجایی که بنیان حکمرانی انقلاب اسلامی بر اساس جمهوریت-دیانت، طبیعتاً در تعارض با آمریکا است و منجر به دشمنی گردید که امنیت ج.ا.ایران را به مخاطره انداخته است. از این رو، کشورها در این وضعیت به دنبال بازدارندگی و دفاع می‌روند که با توجه به تعارض ساختاری و گفتمانی استراتژیک و ژئوپلیتیک ج.ا.ایران با قدرت‌ها و حرکت جهان به چند قطبی‌گرایی، سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا به خصوص حمایت بدون شرط از رژیم صهیونیستی و عدم تعهد این رژیم به معاهدات بین‌المللی با دارا بودن حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ بمب هسته‌ای، تهدید جدی محسوب گردید (رحیمی روشن، ۱۳۹۵: ۸۰ و ۹۲). به‌ویژه بعد از حاکمیت یافتن ایوانجلیست‌ها^۱ از ۱۹۷۰م. با شعار موعودگرایی و اندیشه برگزیدگی قومی-نژادی به‌عنوان اهداف راهبردی که سیاست خارجی تهاجمی و کنش‌مند را اقتضا می‌کند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲). به این نگرش، یهودیان «حاردي» گویند که آموزه‌های بنیادگرایانه دارند (حسینی، ۱۴۰۰: ۷۷). اعتقاد و باور در این نگرش مبتنی بر حاکمیت یافتن یهود بر گستره غرب آسیا و لزوم حمایت آمریکا در این امر است تا تسلط غیر یهودیان (شیاطین) بر بیت‌المقدس رفع گردد. آن‌ها استقرار قوم برگزیده یهود در شامات و غرب آسیا را عامل ظهور مسیح دانسته و بر لزوم پیروزی رژیم صهیونیستی و تقویت بنیه آن از سوی آمریکا، و ناشی از این امر بعد از ۱۱ سپتامبر و پیرسازی از اسلام و ج.ا.ایران به‌عنوان تهدید از سوی ایالات متحده، جهت محقق شدن وعده الهی تأکید دارند (اکتار، ۱۳۸۷: ۱۶۰ و ۱۷۷). بنابراین با توجه به دخالت‌ها و حمایت‌های تقابلی و فشاری-پانزی آمریکا از رژیم صهیونیستی در قبال ج.ا.ایران، شاهد شکل‌گیری اتحاد استراتژیک، ممتاز و بحث‌برانگیز هستیم. تا جایی که رژیم صهیونیستی به‌عنوان دژ مستحکم و پشتیبان منافع آمریکا در منطقه و نگاه نخبگان آن‌ها محسوب می‌گردد (برد، ۲۰۱۰: ۱-۲). از این رو، زمانی که اتحاد ممتازگون باشد، متحدان جهت حمایت از یکدیگر و ارتقا منافع جمعی،

1. Evangelists

2. Bard, M.G.

کاربست‌هایی در سطوح نرم و سخت انجام می‌دهند (اورگانسکی^۱، ۱۹۹۰: ۲۷-۲۶)؛ که در زمانه خود به استناد به باورهای اوانجلیکن مورد تأیید جامعه آمریکایی بود. اما این عمل معمولاً در تصادم با قدرت‌های منطقه‌ای چون ج.ا.ایران با رویکرد تحول‌خواه می‌باشد. رژیم صهیونیستی همان‌گونه که در جنگ سرد، نیروی سرخ را تهدیدی برای منافع منطقه‌ای آمریکا با هدف برسازی جایگاه ویژه‌ای برای خود در منطقه جهت کسب حمایت‌های پانزی از آمریکا ساخته بود، در پسا جنگ سرد با اغناسازی شریک خود، تحول‌خواهی انقلاب اسلامی با اصولگرایی اسلامی را؛ علیه منافع آمریکا امنیتی‌سازی نمود و نقش انحصاری حفاظتی را برای خود تعریف کرد. تا جایی که «اسحاق رابین»^۲ در نشست‌های خود در کشور آمریکا، ج.ا.ایران را تهدیدی همچون مسکو در دوران جنگ سرد علیه موجودیت رژیم اسرائیل، ثبات خلیج فارس، امنیت و قیمت انرژی جهانی و صلح جهانی برشمرد (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۲). همچنین در بهره‌گیری از فشار پانزیک آمریکا بر اعراب، اقدام به «سواری مجانی»^۳ از ایران‌هراسی آمریکایی با اهداف زیر نمودند:

- (۱) ارتقای تقابل روابط دوسویه با اعراب و شناسایی،
 - (۲) تضعیف جبهه مقاومت،
 - (۳) جبهه‌بندی منطقه‌ای علیه ج.ا.ایران،
 - (۴) تشدید فشار اقتصادی،
 - (۵) کاهش همکاری‌های منطقه‌ای،
 - (۶) پیشبرد دکترین صلح اسرائیلی (اختیاری امیری، ۱۴۰۰: ۴۳-۳۹).
- این عادی‌سازی با اعراب، با القای تهدیدسازی مشترک از ایران، ماتریکس به‌شدت پیچیده و خطرناکی را برای تهران (ارغوانی و آرایش، ۱۴۰۱: ۴-۳)؛ در کنار افزایش نقش و منافع تل‌آویو-واشننگتن فراهم کرد.

با توجه به همگراشدن لابی‌های عبری-عربی حاضر در آمریکا بعد از ایران‌هراسی غرب، جهت جذب فشار و حمایت‌های خارجی آمریکا، با استفاده از نهادهایی چون

1. Organiski, K.
2. Isaac Robin
3. free ride

«جینسا»^۱ نظام تصمیم‌گیر آن‌ها را علیه ج.ا.ایران و منافع نظامی، منطقه‌ای، هسته‌ای و اقتصادی آن به تقابل سخت همساز نمایند (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵ و ۹۲). از این‌رو، توافق طرفین جهت مقابله، تضعیف، مهار و انزوا کشاندن ج.ا.ایران با حمایت و فشار پانزیک آمریکا بر منطقه و جهان در حوزه‌های اقتصادی-سیاسی و نظامی-فرهنگی جهت فائق آمدن بر تنگنای جغرافیایی-سیاسی رژیم صهیونیستی در طول دکترین ماورای حصار عرب بن‌گورین، در طرح موسوم به «خاورمیانه جدید و بزرگ» و «مبارزه با تروریسم و حامیان تروریسم» مفصل‌بندی گردید. با این توضیح ج.ا.ایران جهت بازدارندگی و دفاع در برابر جهان‌بینی ساختارمند شده دو متحد ممتاز (آمریکا-رژیم صهیونیستی) در غرب آسیا، متناسب با شرایط برآمده از ساختار و اوضاع منطقه‌ای؛ سیاست خارجی بازدارنده یا پیشگیرانه را دنبال نمود.

چون آمریکا-رژیم صهیونیستی در دومینوی حذف و استحاله‌کردن بازیگران یاغی غرب آسیایی، تسلیحات و توانمندی ج.ا.ایران را با توجه به باور و تأکید ساختاری-عقیدتی بر «محو رژیم صهیونیستی و نظم اوانجلیکن»، مدعایی جهت ائتلاف‌سازی جهانی نمودند (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۸۱). از این‌رو، و رای نگاه «ایدئولوژیک» در راهبرد و نظام‌های منطقه‌ای، ایران با «عقلانیت و واقع‌گرایانه-متفکرانه» از اوضاع در قبال دو متحد ممتاز با نگاه به امنیت و منافع ملی، اصل ساماندهی به ترتیبات و نوین نظم منطقه‌ای را با توسعه روابط خارجی (نفوذ بر افکار عمومی و تبدیل آن به هنجار) در مقام فرماندهی لحاظ نموده است (جعفری، ۱۳۹۹: ۳۱۸-۳۱۳-۳۱۲). پس در خصوص جهان‌بینی ساختاری ایران-آمریکا در قبال رژیم اشغالگر قدس، آنچه میان طرفین مشهود است (به علت موارد ذیل) نشان از عدم تحمل طرفین از یکدیگر و نگاه با حاصل صفر در دستگاه سیاسی و منطق حکمرانی دارد:

(۱) رویکرد متحدین ممتاز و تعریف فلسطین در رأس سیاست خارجی و گنجاندن آن

در اصول قانون اساسی ایران،

(۲) عدم رسمیت رژیم،

1. The Jewish Institute for National Security of American (JINSA).

(۳) جلب توجه نهادهای بین‌المللی به اقدامات ضد بشری (سهرابی و خرمشاد، ۱۴۰۲: ۱۲۷-۱۲۶)،

(۴) ایدئولوژی نابودی رژیم صهیونیستی در باور عمیق شیعی،

(۵) گسترش محور مقاومت،

(۶) فعالیت‌های منطقه‌ای،

(۷) گسترش مرزهای معنوی از مدیترانه تا دریای سرخ،

(۸) وجود رژیم صهیونیستی هسته‌ای،

(۹) فشار لابی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت ایران‌هراسی،

(۱۰) تغییر الگوی مبارزه از اسرائیلی-عربی به ایرانی-عربی و غیره.

این مهم، تعارض میان ایران-آمریکا را در کلاف سردرگمی برده و عدم هضم تهدیدات ج.ا.ایران برای رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۱۳۵)، به علت تعریف آن در طول منافع و دستگاه حاکمه خود به‌عنوان متحد ممتاز در منطقه نیز بر تنش‌ها می‌افزاید.

۲-۴. تعارض سیاست خارجی اعلامی-اعمالی ایران و آمریکا نسبت به رژیم اسرائیل

با درک و شناخت از نوع جهان‌بینی ساختارمند شده ایران-آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی اسرائیل و تبیین در قالب بازی با حاصل صفر، این نگاه جبراندیشانه طرفین با توجه به اهمیت غرب آسیا به‌عنوان بزرگ‌ترین حوضچه چندوجهی منافع آمریکا مطرح می‌شود به‌گونه‌ای که «گراهام جی. فولر»^۱ اهم منافع جهانی تمرکز یافته در غرب آسیا را شامل موارد زیر می‌داند که همگی در ژئوپلیتیک زیست جهان ج.ا.ایران واقع شده‌اند:

(۱) انرژی و تضمین جریان آزاد،

(۲) لزوم حفاظت از بقا و امنیت رژیم صهیونیستی،

(۳) حمایت از هم‌پیمانان،

(۴) گسترش نفوذ سیاسی،

(۵) گسترش نفوذ اقتصادی (فولر، ۱۹۹۰: ۴۷۹).

آنچه که در این میان بر تعارض سیاست‌های ایران-آمریکا به علت تفاوت راهبردها و اهداف می‌افزاید، تعریف دو هدف: «استیلا بر نفت» و «حمایت تمام‌قد از رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان پایگاهی مطمئن در صدر اهداف»، در منطقه غیر نرمال با وجود هزینه‌های گزاف یک‌سویه آن برای آمریکا همچون: اقتصادی، فرازوفرود روابط با جهان اسلام، تأمین هزینه‌های مادی- معنوی نبردهای منطقه، رشد نگاه ضد آمریکایی و غیره می‌باشد (خانی و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۴۸). بنابراین، وجود رژیم صهیونیستی به‌عنوان دژ مستحکم و نماینده ایالات متحده در منطقه، راهبردهای آمریکا را به‌شدت متأثر ساخته است. این رویکرد در تعارض جدی با اصول بنیانی و بافتار ج.ا.ایران بر اساس اصول شیعی-اسلامی در کنار فرهنگ باستانی ظلم‌ستیزی و عدم ظلم (ستم نکردن به دیگران) بوده است که در نمود فلسطین و حمایت از جنبش‌های ضد هژمونیک به پشتوانه اصول مکتبی و تأکیدات ساختاری قانون اساسی بر حمایت مادی-معنوی از جریان‌های ضد استکباری تداعی یافت (عیوضی و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۹۹) که بر جبریت حاکم افزود.

این تعارض «اعلامی-اعمالی» در عرصه میدانی، بسامد خویش را بر دستگاه دیپلماسی و شناسایی ایران به‌عنوان تاریک‌ترین و پر چالش‌ترین مسئله سه سویه (آمریکا-اسرائیل-ایران) نهاده است. مضافاً چون همواره آمریکا از حامیان اصلی این رژیم بوده و در هر دو حزب دموکرات-جمهوری‌خواه در خصوص حمایت از رژیم صهیونیستی با توجه به حساسیت‌های تصمیم‌گیری و همپوشانی نتایج و عواقب امور که چالش‌های متعددی را برای منافع آمریکا در عرصه جهانی-منطقه‌ای به همراه دارد اما در حمایت از رژیم صهیونیستی بی‌محابا (طهماسبی، ۱۴۰۲: ۷۶) و پانزیک عمل کردند. گاهی با توجه به اختلاف‌نظرهای تاکتیکی بین دو متحد ممتاز، اما بر سر اصول و منافع مشترک و حیاتی منطقه‌ای در غرب آسیا به‌خصوص ضد منافع ایران بر اجماع و هم‌نوایی تأکید دارند. اوج این حمایت دیپلماتیک آمریکا در زمان به رسمیت شناختن آن در سازمان ملل توسط ترومن تنها ۱۱ دقیقه پس از اعلام تأسیس شروع گردید. تداوم این حمایت‌ها در سه ضلع آمیخته شده است:

(۱) «نفوذ لابی‌ها بر ساختار نظام تصمیم‌گیر آمریکا»،

(۲) «منافع مشترک ممتاز»،

(۳) «ریشه‌های ایدئولوژیکی-تاریخی».

آمریکا تاکنون بیش از ۴۳ بار از حق وتوی خویش برای رژیم صهیونیستی استفاده کرده است و به‌نوعی از لحاظ آماری نیز نیمی از وتوهای اعمالی را شامل می‌شود. همچنین مانع از صدور بالغ‌بر ۶۰ قطعنامه در خصوص حمایت از فلسطین گردید (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۹۴-۹۳). این حمایت در عرصه‌های دیگری چون سال ۲۰۰۶م. در اجماع کشورهای اسلامی با ۸۹ رأی در خصوص محکومیت سیاست ابهام‌هسته‌ای و پیوستن رژیم اشغالگر قدس به «ان.پی.تی» قابل مشاهده است که مجدداً در ۲۰۱۰م. با اجماع بیشتر همراه بود اما آمریکا-اسرائیل بدان رأی مخالف دادند و آن را مسکوت گذاردند (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۱۸۴). در خصوص مسائل حقوق بشری نیز به علت سیاست‌زدگی شورای امنیت و حمایت وتویی آمریکا، علی‌رغم تلاش‌های شورای حقوق بشر که دو سال پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی به‌وجود آمد، جهت محکومیت رژیم توفیق چندانی نداشت (بزرگمهر و جان‌نثار، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

با این سبقه تاریخی حمایت پانزکی آمریکا از رژیم صهیونیستی که ابعاد گوناگون امنیت ج.ا.ایران را به مخاطره انداخته است، نظام با فرض نمایشنامه‌های بر روی صحنه رئال غرب آسیا از سوی آمریکا جهت پشتیبانی از رژیم صهیونیستی این امکان‌ها را لحاظ نمود: براندازی با اقدام نظامی، براندازی از درون (مستهلل کردن)، تغییر رفتار و تفاهم کامل (نزدیکی دیپلماتیک و رقابت-همکاری) (درویشی و همتی، ۱۳۹۴: ۶۲-۵۷). با توجه به معضلات مترامم موجود علیه امنیت و موجودیت ج.ا.ایران، سعی بر منفعل‌سازی آن در روندهای منطقه‌ای و ارتقاء بستر به حالت منازعه‌ای فراگیر، نظام خواستار افزایش قدرت، منزلت و رفع آن در قالب حلقه‌های دیپلماتیک و نظامی-امنیتی به شکل ترکیبی برآمد (مرادی و هدایتی، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۶۴). همچنین ناشی از اهمیت منطقه و کنش رقبای فرامنطقه‌ای (آمریکا، چین، روسیه و بعضاً اروپا) در کنار بازیگران منطقه‌ای (ج.ا.ایران، عربستان، ترکیه و اسرائیل)؛ با ائتلاف‌هایی که انجام دادند توازن قدرت به‌گونه‌ای رقم

خورده است که تا ۱۱ سپتامبر جنگ فراگیر عربان رخ نداد. پس از آن بود که شدت تغییر امواج در عرصه منطقه از سال ۱۹۹۸م. بدین سو نظام به طور جدی با یکسوسازی حاکمیت و یکپارچه نمودن قدرت جمعی؛ در عرصه بیرونی هجومی تر اقدامات خود را شدت بخشید و نوعی درگیری فرسایشی را دنبال نمود. برخی از موارد موثر به شرح زیر بودند:

- (۱) رشد جریان‌های تکفیری،
- (۲) اشغال عراق-افغانستان،
- (۳) بیداری اسلامی،
- (۴) شدت یافتن حمایت‌های آمریکا در ابعاد گوناگون از رژیم صهیونیستی بعد از برسازی امنیتی از ج.ا.ایران (هسته‌ای-موشکی)،
- (۵) خروج از برجام،
- (۶) روی کار آمدن ترامپ و اتخاذ سیاست‌های افراطی یک‌جانبه و اولین‌هایی چون:
 - انجام اولین سفر خارجی به مقصد رژیم اشغالگر قدس،
 - بازدید از دیوار ندبه،
 - تأیید الحاق بلندی‌های جولان،
 - انتقال سفارت و شناسایی بیت‌المقدس به عنوان پایتخت (طهماسبی، ۱۴۰۲: ۷۷)،

(۷) اقدام جنگی علیه شهید سردار قاسم سلیمانی و ابو مهدی مهندس. البته تقابل محور عبری- غربی با سیاست «فورباغه آب‌پز» و «تهاجم و ترور بیولوژیک» ج.ا.ایران از سال ۲۰۲۳م. و به‌ویژه بعد از عملیات طوفان الاقصی شدت یافت. آن‌ها با اقدامات زیر به تقابل پرداختند:

- (۱) دکترین «حمله با هزار ضربه چاقو» (شلوغی‌های سیستم و حمله به اهداف نظامی)،
- (۲) عملیات «گرگ تنها» (واقعه بمب‌گذاری در روز بزرگداشت سالروز شهادت حاج قاسم در کرمان و شاه‌چراغ)،

(۳) حذف مستشاران کلیدی محور مقاومت و مجریان منطقه‌ای ایران همچون: شهید صیاد خدایی در تهران، سرداران شهید سید رضی موسوی، محمدرضا زاهدی، محمدهادی حاجی رحیمی، صالح العاروری، فؤاد شکر و غیره،

(۴) اجرای دکترین هانیبال و زمین سوخته در غزه و انجام نسل‌کشی گسترده همچون سال ۱۹۴۸م. با حمایت پانزی آمریکا در مجامع جهانی و کمک‌های مالی - لجستیکی به رژیم صهیونیستی.

با این حال، قبل از حمله اول آوریل رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق، ج.ا.ایران هیچ علاقه‌ای به درگیری مستقیم با رژیم نداشت. چون بنا بر دکترین «صبر راهبردی» و اجرای «سیاست افروختن شعله بر مظلوف منافع عبری-غربی»، و فعال کردن جبهه‌های مبارزاتی مقاومت؛ عملاً همچون یک ترور سمی بیولوژیک، به نبرد فرسایشی پرداخت که شرح آن به قرار زیر است:

- ❖ «ج.ا.ایران» با تجهیز محور مقاومت با خلأ حاصل از خروج یا کاهش حضور آمریکا در منطقه، رژیم صهیونیستی را زیر ضرب‌آهنگ فشار سایه‌وار برد.
- ❖ «انصارالله یمن» امنیت اقتصادی رژیم صهیونیستی را مورد هجمه قرار داد.
- ❖ «حزب‌الله لبنان» امنیت مرزی و پیرامونی را متزلزل ساخت.
- ❖ «حماس و نیروهای جنبش اسلامی» امنیت داخلی و هستی‌شناختی رژیم صهیونیستی را خدشه‌دار کرد.
- ❖ «حشد الشعبی و کتائب حزب‌الله عراق» با حمله و هجمه به پایگاه‌های پشتیبان هوایی، جنگال و پدافندی آمریکا در منطقه که به‌عنوان منطقه حائل بین ایران - رژیم صهیونیستی چون سدی مستحکم جهت پشتیبانی محسوب می‌شد را دچار کژ کارکردی نمود.

با این اوصاف، ج.ا.ایران با استفاده از این دکترین (جبهه مقاومت) در تقابل با راهبرد بن‌گورین و سیاست پانزیک آمریکا، لزومی بر حمله مستقیم نداشت، تا اینکه بعد از حمله به کنسولگری توسط جنگنده‌های دور ایستای رژیم صهیونیستی، اولین حمله ترکیبی پهبادی - بالستیک - موشکی صورت گرفت؛ چون ج.ا.ایران با توجه به دو رویکرد تهاجمی و

تدافعی نواقع گرایانه و الگوهای نهادینه شده هویتی، با توجه به اتحاد دو شریک ممتاز احساس ناامنی در منطقه را دریافت نمود و به طور مستقیم جهت گسستن حلقه عبری-غربی واکنش نشان داد. این اقدام به شدت به هیبت، هژمون، حیثیت و بازدارندگی رژیم صهیونیستی ضربه زد و معادله جدیدی را در منطقه حاصل ساخت، تا اقدامات تخریبی و ایضایی رژیم صهیونیستی در آینده علیه ج.ا.ایران و منافع محور مقاومت را به شدت دچار محدودیت نمود.

دو دکترین اعمالی در نقش محور مقاومت با پیشوایی ج.ا.ایران، انگاره شکست ناپذیری ارتش اول منطقه که از بعد از ۱۹۶۷م. بر اذهان حاکم گشته بود، با شکل گیری جریان انتفاضه و پیشروی های حزب الله به ویژه در سال ۲۰۰۶م. تا به امروز و تقابل گروه حماس در مقایسه با ارتش رژیم اشغالگر قدس نشان از تداوم راهبرد جنگ نامنظم و ضربه به امنیت روانی (احمدی، ۱۳۹۸: ۴۷)؛ در طول سیاست های امامین انقلاب اسلامی مبنی بر ریشه کن نمودن تومور بدخیم منطقه ای و نظر امام خمینی^(ره) در خصوص نبرد با مستکبران و حمایت از مستضعفان به دو طریق: صدور انقلاب و آگاه سازی جوامع اسلامی و حمایت از جنبش ها و حرکت های آزادی خواهانه (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۷) که نهایتاً آزادی ملت های مسلمان به خصوص فلسطین و نابودی استکبار جهانی و منطقه ای را به همراه خواهد داشت، نشان می دهد.

۳-۴. پیامدهای حمله پرتابه ای (موشکی-پهپادی) ایران به رژیم صهیونیستی

آثار و پیامدهای حمله پهپادی موشکی ایران به رژیم اشغالگر قدس را می توان در وجوه کلی «اجتماعی»، «منطقه ای» و «نظامی-استراتژیک» طبقه بندی کرد که در ادامه به مولفه های آن ها اشاره می گردد.

۱-۳-۴. آثار و پیامدهای اجتماعی

۱. فروریختن هیبت جهانی و منطقه ای رژیم صهیونیستی.
۲. بازدارندگی اغراق آمیز متحدین ممتاز، که متحمل شکست سنگینی شد.

۳. جذب پایگاه مستحکم مردمی برای ج.ا.ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام با رمز عملیات یا رسول‌الله در میان ملت‌های عربی که در طول سیاست همسایگی قابل بهره‌برداری است (افزایش منزلت و سرمایه اجتماعی - مردمی منطقه‌ای).

۴. این عملیات، اعتماد به نفس فروریخته مردم و محور مقاومت را بعد از ۷ اکتبر و سکوت اعراب افزایش داد. بیشتر از همه، روحیه شهروندان رژیم صهیونیستی را با توجه به تعویض پیاپی دولت در چند سال اخیر و داشتن اسیر نزد حماس، بیش‌ازپیش در هم شکست.

۵. نظام هیچ محل غیرنظامی را هدف قرار نداد که نشان از اقدام برای «پاسخ» بود و نه «حمله». بنابراین کاملاً اصل حق بهره از دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد را رعایت نمود.

۶. دستگاه حاکمیتی-دیپلماتیک، در فاصله ۱۳ روزه از زمان حمله به کنسولگری ج.ا.ایران در دمشق تا عملیات وعده صادق، به شکل توأمان و هوشمندانه دو بال «دیپلماسی» و «میدان» را به‌کار گرفت و با رایزنی‌های گسترده با کشورهای منطقه و فرمانطقه، و انتظار جهت محکوم کردن حمله از سوی شورای امنیت و غربی‌ها، به نوعی وجاهت‌بخشی برای انجام عملیات وعده صادق را نمود.

۲-۳-۴. آثار و پیامدهای منطقه‌ای

۱. تغییر معادله منطقه‌ای و گشودن مرحله جدیدی از تعاملات برای قدرت‌های فرمانطقه‌ای و تلنگری به حامیان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای رژیم صهیونیستی.

۲. عیان گردید تل‌آویو دیگر با راهبرد «ابهام هسته‌ای» تصمیم‌گیر نهایی در غرب آسیا نخواهد بود و آمریکا با «سیاست اعراب» نمی‌تواند در منطقه بروز و ظهور داشته باشد.

۳. تصمیم نظام برای عملیات نشان داد جنگ با ج.ا.ایران و منافع فرامرزی او به معنای جنگ مرزی نخواهد بود، بلکه دامنه آن در وسعت منطقه‌ای و جهانی است که این پیام را با مصادره و ضبط کشتی میلیاردی یهودی در خلیج فارس، تنها ۱۲ ساعت قبل از حمله به دنیا مخابره نمود. این اقدام، پیام هرگونه حمله و اقدام علیه تأسیسات گران و حیاتی در خلیج فارس یعنی تهدید حیات انرژی و اقتصاد جهان را به کل جهانیان ارسال کرد.

۳-۳-۴. آثار و پیامدهای نظامی-استراتژیک

۱. اولین رویارویی آشکار میان ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی بود که از جهت تاریخی و استراتژیک به عنوان یک نقطه عطف است.
۲. بزرگ‌ترین حمله پهبادی جهان.
۳. پرحجم‌ترین حمله موشکی «تاریخ ایران» و طولانی‌ترین مسافت پیموده و برد پروازی پهبادی ج.ا.ایران در گستره وسیع.
۴. اولین حمله مستقیم یک کشور به رژیم اشغالگر قدس بعد از سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰م.
۵. ج.ا.ایران با اعمال دکترین «رخ در برابر رخ»، با استفاده از قدیمی‌ترین و معمولی‌ترین ادوات پهبادی-موشکی که در دامنه‌ی قله فناوری لجستیکی نظام می‌باشد، اقدام به اجرای عملیات وعده صادق کرد که از نظر نظامی پیام «بازدارندگی و دفاع» و در صورت پاسخ متقابل گسترش دامنه حمله را داشت.
۶. صدور این پیام که در صورت پاسخ احتمالی به ج.ا.ایران از سوی رژیم صهیونیستی و شرکای او، تهاجم بعدی به شکل متقابل و قوی‌تر خواهد بود، نشان از سیاست «دور کردن واقعی سایه جنگ از کشور» و «منطق بازدارندگی» عملی دارد؛ زیرا خودداری آمریکا از هرگونه پاسخ شتاب‌زده از سوی خود و توصیه به مقامات صهیونیستی جهت عدم اقدام تلافی‌جویانه نشان از وقوف آنان بر توانایی بالفعل ایران جهت پاسخگویی با توجه به حجم حمله داشت. بنابراین دریافتند که اقدام نظامی ایران «انتقام» نبود، بلکه صرفاً «دفاع مشروع» بر اساس تناسب و ضرورت بود.
۷. منتفی کردن پروژه‌های ضد شرقی همچون تحدید پروژه کمربند و یک جاده عبوری از حوزه سرزمینی ج.ا.ایران (عرب مد، معامله قرن و صلح ابراهیم).
۸. بی‌اثر بودن ادعا سامانه‌های پدافندی غربی-عبری به‌خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی مانند: فلاخین داوود، گنبد آهنین، باراک، ارو، هیتس ۲ و سامانه تحت آزمایش

هیتس ۳، با قیمت‌های چند صد میلیون دلاری در برابر پهپادها و موشک‌های ارزان جبهه مقاومت.

۹. سامانه‌های پاتریوت آمریکایی مستقر در منطقه و پایگاه‌های نظامی آن، عملاً عاجز از پاسخ‌دهی و دفع حملات با توجه به پایین بودن سطوح پروازی و فاصله سه‌ساعته از پرتاب پهپادهای شاهد ۱۳۶ و رسیدن آن به محل مورد هدف تا شلیک موشک‌ها در طول مسیر بود.

۱۰. مقابله صورت گرفته با پشتیبانی سامانه کشورهای منطقه و فرامنطقه (ناوها و هواپیماهای انگلیس، آمریکا، فرانسه و اردن) به معنای تمام توان رژیم صهیونیستی یا محور عبری-عربی-غربی بود. اما عمل تنبیهی ایران-محور مقاومت بخش بسیار اندکی از توان هجومی‌شان بود.

۱۱. از مهم‌ترین پیامدهای حمله وعده صادق ج.ا.ایران به رژیم این بود که تاکتیک حملات گروه‌های مقاومت (حزب‌الله، انصارالله، حشدالشعبی، کتائب حزب‌الله، سراپالاشتر و دفاع وطنی) در خارج از مرزهای فلسطین اشغالی را هجومی‌تر، جسورانه‌تر و بیشتر کرده است. این مهم کاملاً جهت شکست دکترین راهبردی نظامی-استراتژیک بن‌گورین در جنگ‌ها (یعنی حمله اول از تو باشد، جنگ خارج از جغرافیای تو باشد و جنگ کوتاه باشد) است. به دیگر سخن، ضرب‌آهنگ نبرد علیه منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا در غرب آسیا با هماهنگ‌سازی بین مقاومتی به سرگرومی ج.ا.ایران شدت بخشیده شد.

ج.ا.ایران قبل از تمام این اقدامات صورت گرفته در عملیات وعده صادق، با استفاده از قدرتمندترین اسلحه خود یعنی تولید ابهام و اضطراب، و تحت کنترل گرفتن دیدگاه‌ها و الگوهای رفتاری صهیونیست‌ها؛ یا به‌نوعی دست‌کاری روانی، موفق در تعیین قواعد بازی شد. به نوعی با قمار صورت گرفته تیم صهیونیستی در حمله به کنسولگری ایران، در نگاه راهبردی و شالوده‌ای، حرمت، لفاظی‌های سیاسی-نظامی و دیپلماتیک، و بعضاً خرابکاری‌های پنهان و آشکار میان جبهه عربی-عبری-غربی در برابر جبهه مقاومت و فارسی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام، دامنه آن شکسته و وسیع‌تر گردید. بنابراین، در آینده شاهد نوع دیگری از تعاملات و تخاصم‌ها خواهیم بود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بعد از اهمیت یافتن نظام مناطق پس از جنگ جهانی و اهمیت جغرافیایی، هژمونیک و انرژی غرب آسیا، و با توجه به تأسیس رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸م. بدین سو و شناسایی آن به‌عنوان «متحد ممتاز» از سوی آمریکا، نظام‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای دچار تغییر شدند. وقوع انقلاب اسلامی ایران در نزدیک‌ترین و مهم‌ترین کشور به محور عبری-غربی در منطقه با جهان‌بینی کاملاً بدیع و متعارض، و پس‌از آن وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات حاصل از آن که منافع آمریکا و موجودیت شریک ممتاز را تهدید نمود. ج.ا.ایران با توجه به نوع واقعیت‌ها و برداشت‌هایی که از منطقه و اهمیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان شریک ممتاز نمود، که در تعارض جدی با بافتار ساختاری-هویتی ج.ا.ایران جهت قدرت منطقه‌ای شدن می‌باشد، هر یک از طرفین (ایران-آمریکا) جهت حفاظت از منافع و اهداف خود الگوی سیاست خارجی خاصی را دنبال نمودند. در این نوشتار با توجه به تحول علم روابط بین‌الملل با وام‌گیری از مفهوم پانزی در اقتصاد، سیاست منطقه‌ای «صبر راهبردی»، «داغ نمودن فضای منطقه‌ای زیست منافع عبری-غربی» یا دکترین «قورباغه آب پز» و «تهاجم و ترور سمی بیولوژیک» به بررسی سوال اصلی پژوهش پرداخته شد. فلسفه حاصل‌سازی این راهبردها و تقابلات بعد از آن، در تفاوت هویتی-رویکردی و ساختاری طرفین به مسئله فلسطین-رژیم صهیونیستی و هنجارمندی ج.ا.ایران-آمریکا تعریف می‌گردد؛ زیرا با توجه به معضلات متراکم منطقه‌ای و تهدیدات متوجه به اهداف و موجودیت ایران از سوی رژیم صهیونیستی-آمریکا، آنان سعی بر منفعل‌سازی و به انزوا درآوردن ایران را دارند که ج.ا.ایران در حلقه‌های مقاومتی دیپلماتیک-اقتصادی و نظامی-امنیتی به مقابله پرداخت. به‌زعم نگارندگان، سیاست پانزی آمریکا به علت وارداتی بودن از اقتصاد، نیاز به طی چهار مرحله اجرایی دارد:

(۱) پروپاگاندای وسیع آمریکا در مجامع به نفع رژیم صهیونیستی و سرپوش‌گذاری بر

جنایات و هدایت افکار عمومی؛

(۲) ارسال کمک‌های متنوع دوره‌ای-سالانه؛

(۳) هدایت و جذب سرمایه‌گذار خارجی در موضوعات فرهنگی-اجتماعی، نظامی-

امنیتی و سیاسی در نقاط مختلف جهان؛

(۴) فروپاشی.

از آنجایی که در عرصه اقتصادی نیز از گردانندگان پانزی اطلاعات چندانی وجود ندارد و کمتر قابلیت شناسایی دارند، اما در عرصه سیاسی به علت شناسایی شدن مجری، در میان مدت برای فاعل هزینه‌های گزافی دارد. آنان با فشار بر رهبران منطقه‌ای و جهانی، و ارائه وعده‌های سراب‌گونه پانزیک بعد از تقویت «ایران هراسی»؛ به دنبال سیاست‌هایی چون عادی‌سازی روابط، صلح اسرائیلی و تغییر الگوی مبارزه از عبری-عربی به عربی-ایرانی رفته و این دام پانزیک، حیثیت و اعتبار سران عرب در میان ملت‌های خویش را خدشه‌دار نمود و آمریکا نیز در این قمار حمایتی در سطوح (منطقه‌ای-بین‌المللی) سرمایه معنوی قدرت هژمون را با مواجه شدن با اعتراض دانشگاهیان، اساتید، شهروندان، جامعه مدنی و برخوردهای خشن پلیسی به شدت تیره گردانید. یا آنچه که به نماینده رژیم در سازمان ملل جرئت داد در برابر چشم جهانیان این چنین عریان منشور سازمان ملل را نابود کند، بدون حمایت و پشتیبانی آمریکا قادر به چنین اقدامی نبود، که به شدت مدعای آزادی بیان و حقوق بشرگرایی آمریکا را مضمحل ساخت. با این وجاهت، ج.ا.ایران با اتخاذ سیاست ترکیبی و سه‌گانه علیه رژیم صهیونیستی و سیاست پانزی آمریکا، در نقش رهبری و توسعه محور مقاومت، «بازدارندگی» با عملی ترکیبی به‌ویژه بعد از عملیات طوفان الاقصی و وعده صادق جهت تداخل روانی بر رقیب را با چهار هدف کلی: دفع تهدید پیش از اقدام؛ ایجاد بافر زون (منطقه حائل)؛ مانور قدرت؛ وجود اراده جدی، ابتکار عمل و مصمم بودن جهت حمایت از آرمان فلسطین در رأس امور به‌عنوان یک راهبرد و نه تاکتیک را نشان داد. این مهم مستلزم ریشه‌کن کردن غاصبان صهیون و دفع دخالت حامیان بنا بر ایدئولوژی اسلامی-شیعی می‌باشد. بسامد این سیاست ایران نیز بعد از دو عملیات تاریخی، شکست سیاست خارجی اعراب-پانزی آمریکا و خارج‌سازی فلسطین از مهوریت بعضاً در جهان اسلام و غرب را بعد از نامه آیت‌الله خامنه‌ای (رهبر انقلاب اسلامی) به جوانان و دانشجویان به همراه داشت. به‌گونه‌ای که پیش‌ازاین، جهان فلسطین را

مستحیل کرده بود، اما امروزه فلسطین نفوس دنیوی را تسخیر کرد که نمود آن، اعتراض سلسله‌وار دانشگاهیان و همراهی قریب به ۱۴۳ کشور از غرب تا شرق جهت شناسایی فلسطین مستقل می‌باشد. در واقع، سیاست نظام جهت بازشناسی فلسطین در افکار جهانی نشان داد تقابل و مبارزه با سیاست‌های همسوی آمریکا-رژیم صهیونیستی همیشه به رنگ خون نیست و به آرامی می‌توان به خنثی‌سازی پرداخت.

۱-۵. پیشنهادات راهبردی

امکان دارد رژیم صهیونیستی راهبردهای احتمالی تلافی‌جویانه‌ای را جهت مقابله به مثل با ج.ا.ایران و اجرای «الگوهای ضد» در دستور کار میان و بلندمدت قرار دهد. بنابراین برخی از راهبردهای ضد ایرانی اسرائیلی‌ها را در ذیل ذکر کرده‌ایم که احتمال بیشتری دارد بنا بر سابقه موساد، اتخاذ کند. با توجه به پیشینه‌ی بازوان امنیتی-اطلاعاتی رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران در داخل و منطقه، همچنین متناسب با چارچوب نظری طرح‌شده در این پژوهش و تأکیدات امنیتی نوواقع‌گرایی و اثر رویکرد هویتی سازه‌انگاری بر نوع سیاست‌ها و لزوم بر افزایش توانمندی ساختاری قدرت و امنیت در ملاک عمل دولت‌ها، شایسته است دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی، نظامی، نظارتی و به‌خصوص دیپلماتیک با هماهنگ‌سازی کامل «میدان» و «دیپلماسی» جهت مقابله و خنثی‌سازی خطرات احتمالی اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای را اخذ کنند:

۱. امکان دارد رژیم صهیونیستی بنابر تجربه‌های موفق گذشته خود در اقدامات تروریستی علیه اشخاص و اماکن مهم در داخل ج.ا.ایران، با استفاده از حضور «سایان‌ها»^۱ طرح‌های عملیاتی، شناسایی و ارتباط‌گیری با سرشاخه‌ها و شبکه‌سازی را با هزینه‌ای بسیار اندک و اثرگذاری فزاینده، جهت برهم زدن امنیت انجام دهد. در زمینه سایان‌ها باید اشاره کرد بازوهای عملیاتی موساد هستند و همواره به وسیله ترور، جاسوسی، خرابکاری و اقدامات فرامرزی در جهان به دنبال حفظ امنیت اسرائیل بوده که در میان چهره‌های امنیتی به «نیروهای اقدام پیش‌دستانه» شهرت دارند.

لازم به ذکر است سایان‌ها یهودیان داوطلبی هستند که در خارج از اسرائیل زندگی می‌کنند و بدون اینکه عضو موساد باشند در اقداماتی مانند: مراقبت‌های پزشکی، مهیا کردن پول، جمع‌آوری اطلاعات و غیره به آن‌ها کمک می‌کنند. چون هیچ‌گونه اطلاعات طبقه‌بندی شده در اختیارشان قرار نمی‌گیرد، در صورت لو رفتن، خطر و هزینه‌ای برای موساد در ادامه عملیات ندارد. از نمونه کمک‌های مهم اطلاعاتی سایان‌ها، شناسایی یک متخصص هسته‌ای صدام در فرانسه بود که پس‌از آن، نیروگاه‌های هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱م. به‌عنوان حامی شوروی و مخالف آمریکا-اسرائیل، جهت جلوگیری از تصرف آن توسط ایران طی بمباران هوایی نابود کرد. این بازوی عملیاتی در ترور شهیدان محسن فخری‌زاده و حسن صیاد خدایی نقش داشتند.

۲. با استفاده از ظرفیت نه‌چندان مطلوب و ابهام‌آلود ناشی از حضور ملیت‌های گوناگون همسایه در ج.ا.ایران که بعضاً ورود غیرقانونی دارند، اقدام به شبکه‌سازی نیروهای تندرو کرده و عملیات تخریبی-ایضایی علیه اماکن، تجمعات و مراکز مهم و مردمی همچون بمب‌گذاری، ترور را ساماندهی کنند و موجبات ناامن‌سازی در داخل مبتنی بر «سیاست فشار از درون جهت حاصل‌سازی نتیجه از برون» را اعمال کنند. برای انجام این امر، جهت تضعیف و تقابل با «سیاست همسایگی نظام» باعث شکل‌گیری سوءظن نسبت به اقوام همسایه در میان جامعه ایرانی و مخالفت افکار عمومی با راهبرد کلان نظام و شعله‌ور شدن تنش‌های منطقه‌ای و لفظی شوند.

۳. به علت مشاهده جدیت و قدرت هجومی، پدافندی-آفندی ج.ا.ایران در عملیات ۱۳ آوریل، و تغییری که در معادلات منطقه‌ای و میدانی میان طرفین صورت گرفت، احتمال دارد جهت ارتقای امنیت هستی‌شناختی خود؛ با ج.ا.ایران مستقیماً وارد درگیری جدی نشوند و با تحریک گروهک‌های تندروی حاکم و حاضر در همسایگی شرقی، شمال غربی و منطقه اکراد؛ سیاست درگیری و تفرقه درون‌مرزی، منطقه‌ای و بین‌ایالتی را دنبال کنند. همچنین از طریق گروه‌های مزدور در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، عملیات پارتیزانی انجام داده و ما را با همسایگان درگیر کنند و جو عمومی غالب به نفع جمهوری اسلامی بعد از عملیات وعده صادق را علیه ما نمایند.

۴. به علت زیر سؤال رفتن اعتبار دیپلماتیک رژیم صهیونیستی در منطقه و فرامنطقه، بعد از پروپاگانداى سنگین عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه (صلح ابراهیم، معامله قرن و پروژه عرب مد) مبتنی بر «اتحاد پیرامونی ماورای حصار عرب بن گوریون» جهت فائق آمدن بر مصائب بحران آلود ناشی از شکل‌گیری رژیم و قرارگیری جغرافیایی، در کنار تعطیلی ۲۸ سفارتخانه آن‌ها امکان دارد به تشدید موازنه تهدید علیه ایران اقدام نمایند. بنابراین فراتر از پروژه ایران‌هراسی، تلاش می‌نمایند ج.ا.ایران را به‌عنوان یک تهدید بین‌المللی و برهم زننده صلح و امنیت جهانی جلوه دهند. بنابراین بازی هوشمندانه دستگاه دیپلماسی کشور را جهت خنثی‌سازی راهبرد احتمالی علیه ایران، با اتخاذ سیاست همسایگی، کنشگری فعال بین‌المللی و موازنه تهدید نرم ایرانی را طلب می‌کند.

۵. با توجه به برهم‌خوردن حرمت ظاهری طرفین در عملیات وعده صادق که برای نخستین بار مستقیماً از خاک ج.ا.ایران، عمق رژیم صهیونیستی مورد هدف قرار گرفت و به جهان بینی حاصل صفر طرفین به یکدیگر جامعیت عملی و عینی بخشید. جهت تقویت و حفظ بازدارندگی دفاعی فعلی ایران در برابر محور عبری-غربی در آینده نزدیک و دور، و آمادگی نسبتاً مساعد فضای فکری جهانی و قدرت‌های شرقی با توجه به نزدیکی که با ایران دارند؛ اما بنابر تجربه، پیگیری و اولویت دنبال نمودن منافع ملی جهانی خود در عین همکاری با ایران، اما رقابت خود را حفظ کرده‌اند. به علت درگیری شرقی‌ها (چین و روسیه)، در مسائلی چون اوکراین، تایوان، دریای چین و جنگ اقتصادی و تحریم با محور غربی؛ نظام با استفاده از این فرصت و تخفیف در استراتژی کلان اعلامی در خصوص «حرمت سلاح هسته‌ای»، با هدف «دفاع و بازدارندگی» و «پیش موازنه‌سازی و عمل پیش‌دستانه منطقه‌ای» اقدام به تولید و تجهیز سلاح هسته‌ای در سبد دفاعی-بازدارندگی کشور بکند.

۶. محور مقاومت به پیشوایی ج.ا.ایران، بر دکترین «ترور، تضعیف بیولوژیکی و تحدید فرسایشی و خزننده منافع رژیم»، مظلوف‌سازی فضای منطقه‌ای آن به دکترین «قورباغه آب پز» بیش‌ازپیش همت گماشته و ضربات پیوسته خود را در جبهه‌های گوناگون اقتصادی،

ترانزیتی، امنیت داخلی و خارجی و تبلیغات رسانه‌ای شدت بخشد؛ زیرا امنیت هستی‌شناختی، هیبت و جوهره رژیم را از درون تهی و بنیان‌کن کند تا بدین‌وسیله، نماینده و دژ آمریکا در غرب آسیا و جهان اسلام را محو، و حضور آمریکا در منطقه و اجرای سیاست‌های اربعاب، تهدید و پانزی را متوقف سازد.

۷. با توجه به اتحاد تاکتیکی ایران، روسیه و چین، و ضربه‌ای که اقتصاد و تولید ناخالص داخلی رژیم صهیونیستی بعد از ۷ اکتبر دیده و متعاقب آن، تلاش ناکامی که جهت فائق آمدن بر تنگنای ژئوپلیتیکی تأمین و صدور کالا با توجه به حمله انصارالله یمن در حوزه باب المندب، دریای سرخ تا دماغه امینیک به کشتی‌های منتسب به رژیم انجام داد و همچنین بی‌اثر کردن پروژه عرب مد از سوی محور مقاومت و هزینه بالا و حجم اندک جابجایی کالا، دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران باید با تحرک مضاعف چمدانی، با توجه به سابقه اخلاک‌گر محور عبری-غربی و نقش مخرب برخی کشورها جهت تحدید پروژه یک کمربند و یک جاده محور شرقی، چین و روسیه را مجاب به حضور و حساسیت بیشتر نسبت به فعالیت اتاق فکر رژیم صهیونیستی در ناحیه آسیای مرکزی، قفقاز و قفقاز جنوبی نماید تا با همکاری شرکای شرقی، تهدید جدی و احتمالی متوجه ج.ا.ایران را از این ناحیه مرتفع کند.

۸. به علت وابسته شدن حیات سیاسی نتانیاهاو به نتیجه جنگ غزه که همچون باتلاقی در کنار مسائل داخلی و محکومیتش در پرونده‌های مالی نیز وی را درگیر کرده است، هرگونه تصمیم از جمله اعلام آتش‌بس، ترک مخاصمه، پایان جنگ و غیره به معنی شکست او خواهد بود. بنابراین به علت شخصی‌سازی این نبرد در افق دید نتانیاهاو، امکان دارد به گسترش دامنه و وسعت نزاع به‌خصوص در وادار کردن ج.ا.ایران به نبرد با حمله به گستره شبکه منافع نظام در داخل و خارج اقدام کند، که این امر هوشمندی دستگاه‌های درگیر اعم از نظارتی، دیپلماتیک و نظامی را جهت نحوه برخورد طلب می‌کند.

منابع

الف- فارسی

- احمدی، وحیده (۱۳۹۸). «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹ (۳۳)، ۵۳-۲۴.
- اختیاری امیری، رضا (۱۴۰۰). «دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه خاورمیانه*، ۴ (۱۰۶)، ۳۱-۴۶.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ آرایش، حسین (۱۴۰۱). «اعراب و انتخاب در شرایط موازنه تهدید؛ تهدید انگاری ایران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۴ (۶۵)، ۳۶-۱، DOI:10.22034/FR.2023.374382.1324
- اعجازی، احسان؛ قربانی، ارسلان؛ سیمبر، رضا؛ و جانسیز، احمد (۱۳۹۸). «تأثیر لابی صهیونیستی-عربی بر سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۲۶ (۴)، ۸۵-۱۰۷.
- افتخاری، قاسم (۱۳۹۹). *روش‌شناسی فهم کنش اجتماعی انسان با نگاهی به روش‌های رشته روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکتار، عدنان (۱۳۸۷). *تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا*. ترجمه نصیر صاحب خلق، تهران: نشر هلال.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). *کلمات قصار پندها و حکمت‌ها در کلام امام خمینی (ره)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بردبار، احمدرضا؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۲). «تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی به آفندی)»، *فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام*، ۲ (۲۹)، ۸۲-۱۱۴.
- بزرگمهر، مجید، جان‌نثار ملکوتی، حمید (۱۳۹۵). «عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱ (۱۹)، ۱۷۰-۱۴۴.

- بنی‌هاشمی، سید علی؛ حیدرپور، ماشاله؛ و کیانی، داود (۱۴۰۱). «مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکرد تقابل‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۳ (۴۶)، ۲۷۶-۲۴۹.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۱). «تبیین عوامل و اهداف اتحاد استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲ (۸)، ۱۹۱-۱۵۳.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «بیوتوریسم، سیاست مرگ و امنیت ملی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۴۳ (۱۲)، ۶۰-۴۰.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «فرماندهی و کنترل جمهوری اسلامی ایران در حفظ امنیت منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۴ (۱۴)، ۳۲۴-۳۱۱.
- جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۴۰۱). *تحول پارادایمیک در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.
- جکسون، رابرت؛ گنورگ، سورنسون (۱۳۸۵). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات میزان.
- جمال‌زاده، ناصر؛ آقایی، محمد (۱۳۹۴). «تأثیر ایران‌هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۱ (۶)، ۴۷-۱۹.
- جمشیدی، محمدحسین؛ کرمی‌نژاد، حسین؛ یوسفوند، محمد؛ و بیات، محمد (۱۳۹۸). «الگوی حاکم بر مناسبات آمریکا و رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۴۲ (۱۲)، ۹۳-۱۲۷
DOI:20.1001.1.25381857.1398.12.42.4.4
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲). *ایران و رژیم صهیونیستی، از همکاری تا منازعه*. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- حسن‌خانی، سعید (۱۴۰۰). «ایران و محیط امنیتی تغییریافته (الزامات و راهبردها)»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۴ (۱۹)، ۶۲-۲۳.
- حسینی فائق، سید محمد مهدی (۱۴۰۰). «بنیادگرایی یهودی در بستر عملگرایی سیاسی: نقش جریان حاردی در تقویت گرایش‌ات افراط‌گرایانه در ساختار رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۰ (۶۸)، ۱۱۰-۷۷
DOI:10.22054/qps.2021.51376.2503

- حیدری، مهدیه (۱۳۹۸). «نقد درون پارادایمی و برون پارادایمی بر تئوری نئورئالیسم والتز»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*. ۹ (۳)، ۲۰۲-۱۸۳.
- خانی، محمدحسن؛ صادقی، محمدمسعود (۱۳۹۳). «تحلیل هزینه-فایده راهبرد حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶ (۲)، ۱۶۲-۱۴۴.
- خبرگزاری فارس (۱۴۰۲). «کلاهبرداران پانزی چگونه طعمه‌های خود را شکار می‌کنند؟»، کد خبر: ۱۴۰۲۱۱۰۸۰۰۰۰۸۴۲، تاریخ بازیابی: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱، قابل دسترسی در تارنمای: <https://www.farsnews.ir/news/140211080000842>.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد؛ همتی، زهره (۱۳۹۵). «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱ (۱۹)، ۶۷-۴۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر سمت.
- رحیمی‌روشن، حسن (۱۳۹۵). «بازدارندگی منطقه‌ای و تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، ۱ (۱)، ۹۹-۸۰.
- رکابیان، رشید؛ طهماسبی، سمانه (۱۴۰۲). «تأثیر نقش فرهنگ استراتژیک بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی ایران»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۷ (۹۷)، ۱۸۷-۱۶۳.
- زبردست، میلاد (۱۳۹۷). «سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در قبال محور مقاومت»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، ۳۵ (۳)، ۱۲۴-۱۰۶.
- سهرابی، عبدالله؛ خرمشاد، محمداقبر (۱۴۰۲). «آینده‌پژوهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد موضوع فلسطین»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴۶ (۱۲)، ۱۶۲-۱۲۱، DOI:10.22054/qps.2023.68522.3066
- طهماسبی، فاطمه (۱۴۰۲). «سیاست خارجی ایالات متحده در قبال امنیت رژیم صهیونیستی»، *دوماهنامه آمریکاشناسی (آمریکاشناسی روایت افول یک امپراطور)*. ۲۳، آذر و دی: ۷۶-۸۱.
- عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۲). «عملیات طوفان الاقصی و کاربست پارادایم نوین مقاومت در جهان اسلام»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*. ۴ (۷)، ۱۶۸-۲۰۹.

- عیوضی، محمدرحیم و قاسمی، محمدهادی (۱۴۰۱). «چرایی پیدایش محور مقاومت و تحلیل ساختاری مسائل مرتبط از منظر آینده‌نگاری راهبردی»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۵۴ (۱۴)، ۱۹۹-۲۲۶.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷). «اسرائیل و استمرار تنش‌ها میان ایران و آمریکا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱ (۱۱)، ۱۶۳-۱۳۵.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۷۲). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
- گنجیان‌مقدم، علیرضا؛ جعفری، علی‌اکبر (۱۴۰۲). «منافع نظامی-امنیتی و تقابل راهبردی آمریکا-ایران در غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۲ (۴۸)، ۷۱-۹۸.
DOI:10.30479/PSIW.2024.19619.3291
- گودرزی، مصطفی؛ منوری، سید علی؛ و کریمی، غلامرضا (۱۴۰۱). «نقش موعودگرایی در سیاست خارجی خصمانه در قبال جمهوری ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*.
DOI:10.22054/QPSS.2022.66610.3003، ۱۱-۱۴۵، (۴۲)، ۱۱
- الماسی، سلیمان؛ ترابی، قاسم؛ و صالحی، عباس (۱۴۰۱). «عوامل هویتی و تعارض در روابط ایران و آمریکا»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴ (۵۲)، ۶۵-۷۷.
- محمدی‌منفرد، حسن (۱۴۰۲). «بررسی نتایج عملیات طوفان الاقصی بر اساس دکترین نظامی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۳ (۷)، ۱۷۴-۲۰۱.
- مرادی کلاره، سجاد؛ هدایتی شهیدایی، مهدی (۱۳۹۶). «راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی‌ها و اهداف»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۳ (۹)، ۱۶۳-۱۹۲.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- موسوی‌فر، رضیه (۱۳۹۵). «روابط ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، ۲ (۴۶)، ۴۹۷-۵۱۴.
- میرفخرایی، سید حسن؛ خدایی، مصطفی (۱۳۹۷). «رویکرد ناتو در قبال افزایش نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳۲ (۹)،
DOI:10.22054/qps.2019.36507.2140، ۹۴-۱۲۴
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶). «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۰ (۳۸)، ۷۵۰-۷۲۶.

ب- انگلیسی

- Bard, Mitchell G. (2010). "The Evolution of Strategic Cooperation", In: *Jewishvirtuallibrary*, at: <https://www.Jewishvirtuallibrary.org/Jsource/us-Israel.html>.
- Fuller, Graham G. (1990). "The Middle East in Us Soviet Relations". *Middle East Journal*, Vol. 44, No3 (Summer).
- khlidi, Rashid (2021). "*The hundred years war on Palestine*", hundred years war on Palestine 'A History of Settler Colonialism and Resistance, 1917-2017, Metropolitan Books.
- Malhorta, Vinay.Kumar (2002). *International Relations*. Haryana, India: LMarkanda National CO.
- Miroiu, Adrian (2020). "A Structural Approach to International Relations Theory", In: Wenceslao J.Gonzalez (ed). *New Approaches to Scientific Realism*, (pp. 391-414), Boston: Dev Gruyter.
- Organiski, Kenneth (1990). *The 36 Billion Bargain: Strategy and Politics in Us Assistance to Israel*. New York: Colombia University press.
- Schornig, N (2014). "Neorealism", In: *Siegfried Schieder and Manuela Spinder (ed), Theories of International Relative*, (pp. 37-55), London: Routledge.
- Waltz, K.N (1986). "Reflection on Theory of International Politics", In: Robert Keohone (ed), *Neorealism and It's Critic's*, (pp. 322-345), New York: Colombia University press.
- Waltz, K.N (2014). "Political Structure", In: *Colin Elman and Michael A.Jensen (ed), Realism Reader*, (pp. 103-112), New York: Routledge.
- Waltz, K.N. (1959). *Man, the state and War*. New York: Colombia University press.